

حمایتهای حقوقی - کیفری از اطفال در برابر بزهکاری در حقوق ایران

دکتر نسرین مهرا*

در آمد

توجه به مسأله اطفال و نوجوانان، به ویژه در کشورهایی که ترکیب جمعیتی آنها مانند کشور ایران جوان است، به دلایل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از اهمیت شایانی برخوردار است. اطفال و نوجوانان، از یکسو به لحاظ گذر از دوره طفولیت به دوره نوجوانی و جوانی و طی فرایند جامعه پذیری نیاز به برنامه‌های آموزشی و پرورشی ویژه دارند و از سوی دیگر، به لحاظ اجتماعی و فرهنگی نیازمند کارآموزی، کسب مهارت‌های اجتماعی - حرفه‌ای، و تنظیم اوقات فراغت مناسب هستند، چندانکه مجموعه این عوامل و برنامه‌ها، در صورت تحقق، به آنها اجازه رشد مناسب و شکل‌گیری شخصیت هماهنگ بدهد. بدین سان است که اطفال برای رویارویی با وقایع اجتماعی و واقعیت‌های زندگی در دوره بزرگسالی آماده می‌شوند.

اصولاً در علوم جنایی، «کودکی و نوجوانی» موضوع مطالعات تجربی مستقل و نیز موجب وضع قوانین ماهوی و شکلی خاص و به طور کلی اعمال

* استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

اقدامهای متفاوت پرورشی، اصلاحی، و پیشگیرانه بوده است، که در واقع همان «سیاست جنایی افتراقی» در قبال اطفال است. یکی از قلمروهای «سیاست جنایی اطفال» و در واقع دو دسته اصلی آن را حقوق کیفری اطفال (صغار) تشکیل می‌دهد که محور یا وجه مشخصه بارز آن کودک‌کی است که با معیار سن مشخص و تعریف شده است.^۱

ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی ایران که در مقام تعریف مسؤولیت کیفری، و بنابراین تعیین تابعان حقوق کیفری است، اطفال را از شمول مسؤولیت کیفری خارج کرده است. تبصره یک این ماده، اطفال را کسانی دانسته است که به حد «بلوغ شرعی» نرسیده باشند، بدون اینکه در همان تبصره مفهوم بلوغ شرعی را تعریف کند یا برای پی بردن به محدوده سنی بلوغ شرعی به ماده یا موادی از قانون مجازات اسلامی یا قوانین دیگری ارجاع دهد. به این ترتیب است که پژوهشگر حقوق و دست اندکاران مسائل قضایی باید با بررسی قوانین مختلف، سرانجام در قانون مدنی از این محدوده سنی مطلع شوند و تابعان حقوق کیفری را مشخص کنند. از این رو، به حق می‌توان گفت که مرزهای حقوق مدنی و حقوق کیفری در باب مسؤولیت تا اندازه زیادی در نظام حقوقی ایران به هم نزدیک شده‌اند و بنابراین از این نظر گفتگوی حقوقدانان مدنی و حقوقدانان کیفری اجتناب ناپذیر می‌نماید. ماده ۱۲۱۰ اصلاحی ۱۳۶۱/۱۰/۸ قانون مدنی که در واقع منبع اصلی حقوق مدنی محسوب می‌شود، بدون اینکه به نوبه خود از بلوغ شرعی تعریفی به دست دهد مقرر داشته است که دختران در ۹ سال هجری

۱. درباره حقوق کیفری اطفال رک. نجفی ابرند آبادی، علی حسین، از حقوق کیفری تا حقوق کیفری صغار (دیباچه) در: عباچی، مریم، حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد، انتشارات مجد، ۱۳۸۰، صص ۹-۱۱.

قمری و پسران در ۱۵ سال هجری قمری تمام به بلوغ شرعی می‌رسند. بدین سان دختران و پسران زیر این سن طفل محسوب شده و جزو پاسخگویان حقوق کیفری محسوب نمی‌شوند.

مواد ۲۱۹ تا ۲۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ نیز به اصول حاکم بر دادرسی اطفال اختصاص دارد که طی آن قانونگذار تشریفات ویژه‌ای را برای محاکمه اطفال و نحوه اجرای تصمیمات قضایی مربوط تعریف کرده است. این مواد نوعی دادرسی افتراقی برای اطفال بزهکار و اشخاص بالغ کمتر از ۱۸ سال (تبصره ماده ۲۲۰) تدارک دیده است که جنبه انعطاف‌پذیر و سریع دارد، چندانکه قاضی بیشتر به دنبال بازپروری و تربیت اطفال است تا مجازات آنان، وظایف تحقیق و دادرسی را یک قاضی انجام می‌دهد، نهاد خانواده و والدین در کلیه مراحل فرایند کیفری حضور داشته و با نظام کیفری مشارکت دارند.^۲ به موجب این مواد، از جمله رسیدگی مقدماتی، اعم از تعقیب و تحقیق، توسط دادرس و یا به درخواست او توسط قاضی تحقیق انجام می‌گیرد و دادگاه کلیه وظایفی را که برابر قانون بر عهده ضابطان است راساً انجام می‌دهد (ماده ۲۲۱)؛ دادگاه رسیدگی کننده به جرایم اطفال، حسب گزارش‌هایی که از وضع اطفال و تعلیم و تربیت آنان از قانون اصلاح و تربیت دریافت می‌کند، می‌تواند در تصمیمات قبلی خود یک بار تجدید نظر کند و مدت نگهداری در قانون را تا یک چهارم تخفیف دهد (ماده ۲۲۹)، دادگاه مکلف است در هنگام رسیدگی، به ولی یا سرپرست قانونی طفل اعلام نماید در دادگاه شخصاً حضور یابد (ماده ۲۲۰) ...

۲. ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی نیز مقرر می‌دارد که تربیت اطفال بزهکار، با نظر دادگاه، به عهده سرپرست آنان و عندالاقضاء کانون اصلاح و تربیت است.

بسیاری از نظام‌های حقوقی، از جمله نظام حقوقی انگلستان و ویلز،^۳ از رویکرد قانونگذار کنونی ایران به بزهکاری - بزه دیدگی اطفال^۴ فراتر رفته و قوانین شکلی - ماهوی مستقلی را به تصویب رسانده‌اند و مراجع قضایی و نیز ضابطان قضایی متخصص در مسائل اطفال و نوجوانان را ایجاد کرده‌اند. به این ترتیب است که در سالهای اخیر فرایند رسیدگی به جرایم اطفال، تا سنین معینی، جنبه ترمیمی به خود گرفته است، چندانکه بزهکار، بزه دیده و والدین آنان با نظارت و همراهی قاضی یا شخص ثالثی از جامعه مدنی همه تلاش خود را به منظور برقراری سازش میان طرفین و نیز حل و فصل اختلافها و تعارضهای ناشی از جرم به کار می‌برند و از این رهگذر، اقدام قضایی کیفری متعارف کم رنگ شده و در عوض، راهبرد و اقدام قضایی و شبه قضایی ترمیمی که فرایند دادرسی کیفری را به فرایند دادرسی مدنی نزدیک می‌سازد^۵ در اولویت قرار می‌گیرد. دادگاه اطفال در همین چارچوب و در جهت تنبیه و اصلاح طفل بزهکار، ترمیم

۳. رک. یارکلی، گوردون، نظام عدالت کیفری در انگلستان و ویلز، ترجمه نسرین مهرا، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۷-۱۶، از پاییز ۱۳۷۴ تا بهار ۱۳۷۵، صص ۴۰۶-۳۵۹.

۴. گفتنی است که در ایران نیز پس از حذف دادگاههای اطفال بزهکار که به موجب قانون تشکیل دادگاه اطفال مصوب ۱۳۳۸ ایجاد شده بود، قوه قضاییه اخیراً با تنظیم لایحه قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان و تقدیم آن به دولت و مجلس در صدد احیاء دادگاههای مستقل ویژه اطفال و به طور کلی حقوق کیفری اطفال در ایران است. رک. آیت الله سید محمد حسن مرعشی، دکتر علی حسین نجفی ایرند آبادی و دکتر حسین میر محمد صادقی، بزهکاری اطفال در حقوق ایران و لایحه قضایی تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان (میزگرد)، مجله حقوق دادگستری، شماره ۴۵، ۱۳۸۲، صص ۶۱-۶۸ جمشیدی، علی رضا، گفتمان سیاست جنایی در لایحه قضایی تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان، مجله حقوق دادگستری، شماره ۴۵، ۱۳۸۲، صص ۱۰۲-۶۱.

۵. در این مورد رک. مهرا، نسرین، ترمیمی شدن عدالت کیفری صفار در انگلستان و ویلز، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، انتشارات سمت، ۱۳۸۳، صص ۱۷۸-۱۵۹.

خسارت بزه‌دیده و به نوعی درگیر کردن والدین و سرپرستان آنان، می‌تواند قرار ترمیمی،^۶ قرار ترکیبی تنبیهی - بازپرورانه - ترمیمی،^۷ قرار منع رفت و آمد در ساعات معین یا رفت آمد و خروج از خانه در معیت والدین،^۸ قرار شرکت والدین در جلسه‌های مشاوره - راهنمایی، که نوعی طی دوره کارآموزی برای فراگیری چگونگی تربیت فرزندان است،^۹ صادر کند.^{۱۰}

دوره کودکی و نوجوانی، در صورت عدم نظارت و مراقبت والدین، کوتاهی مدارس در انجام وظیفه پرورشی‌شان، وجود همسالان «تاباب»، و ...، نه تنها اطفال و نوجوانان را در مقابل بزهکاری آسیب‌پذیر می‌کند، بلکه به ویژه آنان را در برابر انواع سوءاستفاده‌ها و بزه‌دیدگی‌های جنسی، جسمانی، روانی، اقتصادی و اجتماعی و غیره نیز قرار می‌دهد که ضمن ایجاد اختلال زودرس در فرایند شکل‌گیری شخصیت اطفال، زمینه بزهکاری آنان را در آینده مساعد می‌کند. به همین جهت است که در اغلب نظامها، با قوت و ضعف متغیر، برای اشخاص زیر ۱۸ سال، از طریق جرم‌انگاری و ساز و کار کیفیات مشدد حمایت‌های کیفری پیش‌بینی شده است. اما حقوق کیفری اطفال در مقوله بزه‌دیدگی نیز، افزون بر ضمانت اجراهای کیفری، به ضمانت اجراها و سازوکارهای حقوق مدنی (مثلاً سلب حق حضانت از سرپرستان یا والدین معتاد یا آزارده و

6. Reparation Order.

7. Action Plan Order.

8. Child Safety Order.

9. Parenting Order.

۱۰. در خصوص این قرارها و به طور کلی چگونگی رسیدگی به جرایم اطفال در انگلستان و ویلز رک.

Parlington (M.), Introduction to the English Legal System, Oxford University Press, 2ed., 2003, pp. 118-120; Ingman (T.), The English Legal System, Black Stone Press Limited, 8th ed., 2000, pp. 50-52.

شکنجه‌گر) متوسل می‌شود و بدین سان حقوق‌دانان کیفری در این مقوله نیز بی‌نیاز از بحث و گفتگو با هم‌تایان متخصص خود در رشته حقوق مدنی نیستند. بنابراین به حق می‌توان مطالعه «حمایت حقوقی - کیفری از اطفال در برابر بزهکاری در حقوق ایران» در چارچوب یک رویکرد حقوقی میان رشته‌ای را بهانه‌ای برای بزرگداشت شادروان دکتر مهدی شهیدی، استاد برجسته حقوق مدنی ایران، از سوی یک همکار عضو گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی قرارداد.

بدین ترتیب است که در نوشتار حاضر این حمایتها ابتدا در چارچوب قانون مجازات اسلامی، یعنی حمایت عمومی (الف) و سپس در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان یعنی حمایت اختصاصی (ب) و در نهایت در قوانین و مقررات غیر کیفری که در مقام حمایت از اطفال در معرض خطر بزهکاری - بزه دیدگی هستند (نتیجه‌گیری) جستجو و بررسی می‌شوند.

الف- حمایت عمومی از اطفال در برابر بزه دیدگی

فصل هفدهم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی با عنوان معنادار جرایم علیه اشخاص و اطفال، چهار ماده را به اطفال، به عنوان بزه دیده، اختصاص داده است: در ماده ۶۱۹ از اطفال در برابر مزاحمت، حرکات و الفاظ مخالف شئون و حیثیت آنان در اماکن عمومی - یعنی در واقع اعمال مغایر با کرامت انسانی آنان - حمایت شده است. در ماده ۶۴۲ به طور غیر مستقیم از اطفال در برابر ترک نفقه حمایت شده است. این ماده مقرر می‌دارد: «هر کس با داشتن بضاعت مالی نفقه زن خود را، در صورت تمکین نپردازد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع نماید، دادگاه او را از ۳ ماه و یک روز تا ۵ ماه حبس محکوم

می نماید». از آنجا که اطفال از نظر مادی به والدین و سرپرستان خود وابسته هستند و بنابراین تربیت و رشد متناسب آنان در گرو تأمین نیازهای مادی، تحصیلی، فرهنگی، تفریحی و ... فرزندان از سوی سرپرستان و والدینشان است، لذا حمایت کیفری موضوع ماده ۶۴۲ از نفقه که یک مقوله حقوق مدنی است از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد. قانونگذار در ماده ۶۳۳، به جهت وابستگی عاطفی - جسمانی اطفال به والدین و سرپرستان خود از یک سو، و آسیب پذیر و بی دفاع بودن آنها از سوی دیگر، رها کردن و بی محافظت گذاشتن اطفال در محلهای خالی از سکنه را جرم انگاری کرده و برای این عمل مجازات مستقلی در نظر گرفته است، تا شاید بتواند از رها کردن نوزادان در کوچه و خیابان پیشگیری به عمل آورد. همچنین، قانونگذار در ماده ۶۳۱ به حمایت از طفل تازه متولد شده در برابر کودک ربایی یا اختفاء کودک، که رسانه‌های نوشتاری در روزهای اخیر موارد زیادی از آن را گزارش کرده‌اند، یا قلمداد کردن طفل تازه متولد شده به جای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگری غیر از مادر طفل، اهتمام ورزیده است.

در جهت تکمیل مفاد ماده ۶۳۱، ماده ۶۲۱ مقرر داشته است: «چنانچه کسی به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگری به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر، خود یا توسط دیگری، شخصی را برآید به حبس از ۵ تا ۱۵ سال محکوم می‌شود، لیکن اگر سن بزه دیده کمتر از ۱۵ سال باشد ... مرتکب به حداکثر مجازات محکوم خواهد شد». بدین ترتیب، سن

بزه‌دیده، یعنی در واقع صغیر بودن شخص ربوده شده، از کیفیات مشدد محسوب شده و تشدید مجازات را به دنبال دارد.^{۱۱}

در ادامه مواد قبلی، ماده ۶۳۲ مقرر می‌دارد: «اگر کسی که طفل به او سپرده شده، در موقع مطالبه اشخاصی که قانوناً حق مطالبه او را دارند، از دادن طفل به چنین اشخاصی امتناع کند، مجرم است. این جرم غالباً پس از وقوع طلاق، بین زن و شوهر و به مناسبت نگهداری فرزند یا فرزندان تا سنین معینی اتفاق می‌افتد و لذا حمایتی است کیفری از یک تأسیس مدنی.

در فصل بیست و هشتم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، قانونگذار در مقام حمایت از اطفال در برابر سوء استفاده از آنان در کارهای منحرفانه و یا مجرمانه (مثلاً واداشتن آنها به تکدی) بر آمده است. از آنجا که صغر سن و عدم توانایی تشخیص و تمیز اطفال، بی تردید زمینه سوء استفاده بزرگسالان از آنها را برای کسب در آمد فراهم می‌کند، لذا ماده ۷۳۱ مقرر داشته که گماردن طفل صغیر یا غیر رشید به تکدی جرم است.

در همین چارچوب باید به مواد ۷۹ و ۱۷۶ قانون کار اشاره کرد که به کار گماردن اطفال زیر ۱۵ سال را نیز یک جرم تلقی کرده و درحقیقت همچون ماده ۳۲ کنوانسیون حقوق کودک، «بهره کشی اقتصادی» از اطفال را ممنوع اعلام کرده‌اند.

۱۱. باید یادآوری کرد که به موجب تبصره ۱ ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، سن طفل، با توجه به جنس او، برای دختران زیر ۹ سال قمری و پسران زیر ۱۵ سال قمری تمام تعیین شده است، لیکن ماده ۶۲۱ معیارهای جنسی و سال قمری را در حمایت از نوجوانان در برابر آدم ربایی کنار گذاشته است.

بدین ترتیب قانون مجازات اسلامی و مواد پیش گفته حمایت از تمامیت جنسی، جسمانی، تحصیلات، پرورش، آموزش، بهداشت و سلامت و به طور کلی کرامت انسانی اطفال را تضمین می‌کنند، لیکن این حمایتها در چارچوب حمایت عمومی در نظر گرفته شده است. ولی در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، قانونگذار در مقام طرح ریزی حمایت‌های اختصاصی کیفری از اشخاص زیر ۱۸ سال است.^{۱۲}

ب- حمایت اختصاصی از اطفال در برابر بزه دیدگی

قانونگذار با تصویب مشروط کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۳۷۲، بر الحاق دولت ایران به این کنوانسیون صحه گذارد. بدین ترتیب تکالیف بین‌المللی جدیدی برای جمهوری اسلامی ایران در جهت برقراری ساز و کارهای حمایتی ویژه از اطفال بوجود آمد. با تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در ۲۵ آذر ۱۳۸۱ که روح حاکم و مفاد آن، در حد وسیعی از این کنوانسیون و پروتکل الحاقی ۲۰۰۰ آن اقتباس شده است، حمایت‌های کیفری جدیدی از طریق ایجاد جرایم جدید پیش بینی شده است. این قانون خود نقطه عطفی در تحولات حقوق کیفری اطفال ایران از نظر بزه‌دیده شناسی حمایتی محسوب می‌شود، زیرا خود عنوان این قانون که ماهیتاً کیفری است، جنبه ایجابی دارد و حاکی از جهت‌گیری حمایتی صریح قانونگذار در قبال کودکان و نوجوانان آسیب دیده کیفری یعنی بزه دیده است. بنابراین، به حق می‌توان قانون

۱۲. در خصوص سایر حمایت‌های کیفری از اطفال در قوانین پراکنده رک. بیگی، جمال، بزه دیدگی

اطفال در حقوق ایران، نشر میزان، ۱۳۸۴.

آذر ۱۳۸۱ را یک متن حقوق بشری دانست که از اسناد بین‌المللی مربوط الهام گرفته است.

به موجب ماده ۱ این قانون، کلیه اشخاص زیر ۱۸ سال تمام هجری شمسی، صرف نظر از جنس آنان، مشمول حمایت‌های کیفری این قانون واقع خواهند شد. بنابراین جرایم احصاء شده باید علیه اشخاص زیر ۱۸ سال ارتکاب یابد تا از منظر قانون آذر ۱۳۸۱ قابل تعقیب باشد، حال آنکه حمایت‌های کیفری قانون مجازات اسلامی از اطفال، با لحاظ تبصره ۱ ماده ۴۹ و معیار جنسی، برای دختر تا ۹ سال قمری و برای پسر تا ۱۵ سال قمری تمام است.

به این ترتیب، در قانون ۱۳۸۱ حمایت کیفری به اشخاص زیر ۱۸ سال تعمیم داده شده است، و این خود به نوعی پیروی از ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک است. این قانون که بیش از ۹ ماده ندارد، در واقع از آن دسته از مواد کنوانسیون که از اطفال در برابر خشونت، شکنجه، بهره‌کشی اقتصادی، بهره‌کشی جنسی، کودک‌ربایی و آزار و اذیت حمایت می‌کنند الهام گرفته است. به عبارت دیگر، این قانون در مقام مجازات جرایم علیه کرامت انسانی طفل و «کودک‌آزاری» در بستر خانواده، محیط مدرسه، محیط کار و به طور کلی در بستر اجتماع است، به طوری که در ماده ۲ این قانون هر گونه اذیت و آزار که موجب صدمه جسمانی، روانی و یا اخلاقی طفل شود جرم تلقی شده است.

ماده ۱۹ کنوانسیون از اطفال در برابر کلیه اشکال خشونت، از جمله بهره‌کشی جنسی و ماده ۳۲ این کنوانسیون از اطفال در مقابل بهره‌کشی اقتصادی و سوء استفاده در کارهای زیانبار و کمتر از سن متعارف حمایت می‌کند و بالاخره ماده ۳۴ به نوبه خود کلیه اشکال بهره‌کشی و کلیه سوء استفاده‌های جنسی، از جمله فحشا یا هرزه‌نگاری کودکان را ممنوع کرده و به

طور ضمنی به دولتهای عضو تکلیف کرده است که برای این موارد ضمانت اجرای کیفری، از رهگذر جرم انگاری مصادیق آن، وضع کنند.

به این ترتیب است که قانونگذار ایران در ماده ۳ قانون ۱۳۸۱، با اقتباس از مواد فوق الذکر، هر گونه خرید، فروش، بهره کشی و به کارگیری کودکان را برای انجام اعمال خلاف، از قبیل قاچاق، ممنوع و جرم انگاری کرده و برای مرتکبان آن مجازات تعیین کرده است. ماده ۴ این قانون نیز با الهام از ماده ۱۹ کنوانسیون حقوق کودک، در حقیقت از اطفال در مقابل صدمه، اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و یا سهل انگاری عمدی در مراقبت از سلامت و بهداشت روانی و جسمی و نیز تحصیل آنان حمایت کیفری به عمل آورده است، زیرا ارتکاب این اعمال علیه اطفال و اشخاص زیر ۱۸ سال را جرم تلقی کرده است.

به موجب ماده ۵، حیثیت عمومی جرایم پیش بینی شده در این قانون غالب است و از همه مهمتر، ماده ۶ کلیه افراد، مؤسسات و مراکزی را که به نحوی مسؤولیت نگاه‌داری و سرپرستی کودکان و نوجوانان، یعنی اشخاص زیر ۱۸ سال را به عهده دارند مکلف کرده تا مراتب کودک آزاری را در معنایی که در مواد ۲، ۳ و ۴ این قانون تعریف و احصاء شده به مقامات صالح قضایی اعلام کنند. اشخاص حقیقی و حقوقی یاد شده در صورت عدم انجام این تکلیف، یعنی ترک فعل، مجرم بوده و مجازات خواهند شد.

اما ماده ۷ قانون ۱۳۸۱، با اشاره به ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی، «اقدام و تنبیه متعارف والدین را که به منظور تربیت فرزندان‌شان» اعمال می‌شود، از شمول این قانون مستثنی کرده است. به عبارت

دیگر تنبیه اطفال توسط والدین، در صورتی که مطابق عرف برای تربیت آنها باشد، جرم نخواهد بود.

به موجب بند ۱ ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی، اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و محجورین که به منظور تأدیب و یا حفاظت آنها انجام می‌شود، در صورتی که در حد متعارف تأدیب و محافظت باشد جرم نیست. به موجب ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی نیز تنبیه طفل توسط والدین در حد متعارف پذیرفته شده است. سؤالی که به مناسبت بررسی مفاد مواد پیش گفته مطرح می‌شود این است که تنبیه و تأدیب متعارف چیست؟ آیا این امر موجب سوءاستفاده بعضی از والدین نخواهد شد؟ یعنی آیا انشاء این دو ماده که مرز بین کودک آزاری و تربیت متعارف و مناسب را تعیین نکرده، زمینه را برای سوءاستفاده والدین و سرپرستان از این حق فراهم نمی‌کند؟ با توجه به اینکه در سالهای اخیر مواردی چند از سوءرفتار والدین نسبت به فرزندان در رسانه‌های گروهی گزارش شده و می‌شود که در واقع مصادیق بارز خشونت و اذیت و آزار و شکنجه بوده و از حد تنبیه و تأدیب بسیار فراتر رفته است، بهتر نیست که قانونگذار در مفاد ماده قانون حمایت از کودکان و نوجوانان تجدید نظر کند؟

نکته‌ای که باید بر آن تأکید نمود این است که حقوق کیفری اطفال ایران در چند سال اخیر - به ویژه در قسمت بزه‌دیدگی - تحت تأثیر کنوانسیون حقوق کودک و پروتکل آن متحول شده است. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، در واقع نتیجه تعامل حقوق ایران و اسناد سازمان ملل متحد است. تنظیم پیش نویس این قانون نیز نتیجه ابتکار و همکاری انجمنهای غیردولتی فعال در زمینه حمایت از کودکان (NGO) بوده است، چنانکه به حق می‌توان از

«سیاست جنایی تقنینی مشارکتی» در مورد قانون ۱۳۸۱ سخن گفت؛ این انجمنها با تنظیم پیش نویس قانون و ارائه آن از طریق عده‌ای از نمایندگان در قالب «طرح قانون ...» به مجلس، در حقیقت موجبات تصویب و در نهایت تحول حقوق کیفری اطفال را در ایران فراهم کردند.^{۱۳}

در چارچوب تعامل اسناد بین المللی و حقوق ایران جهت حمایت از کرامت انسانی و به ویژه کرامت و منزلت اطفال در برابر جرایم و انواع سوء استفاده‌ها، باید به قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۲۸ تیر ماه ۱۳۸۳ نیز اشاره کرد. این قانون که با الهام از پروتکل اول الحاقی (پیشگیری و سرکوب قاچاق اشخاص، به ویژه زنان و کودکان) کنوانسیون پالرمو (مصوب سال ۲۰۰۰) تنظیم و به تصویب رسیده است، در بند ۱ ماده ۱، قاچاق انسان را به این شرح تعریف می‌کند: «خارج یا وارد ساختن و ترانزیت مجاز یا غیر مجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه و تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوءاستفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوءاستفاده از وضعیت فرد یا افراد یاد شده، به قصد فحشا یا برداشت اعضا و جوارح، بردگی و ازدواج». تبصره ۱ ماده ۳ این قانون به منظور حمایت اختصاصی از اطفال زیر ۱۸ سال در مقابل این جرایم مقرر داشته است، چنانچه «فرد قاچاق شده» کمتر از ۱۸ سال تمام داشته باشد و عمل ارتكابی از مصادیق محاربه و افساد فی الارض نباشد، مرتکب به حداکثر مجازات مقرر در این قانون - یعنی ده سال حبس و پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده - محکوم می‌شود. این تبصره با

۱۳. در این خصوص رک. دکتر محمد علی اردبیلی، دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، حجت الاسلام عبدالرضا ایزد پناه، حمایت کیفری از اطفال بزه دیده در نظام حقوقی ایران، (میزگرد)، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۶، ۱۳۸۳، صص ۶۷-۱۲.

ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۸۱ قابل مقایسه است. بدین معنی که به نظر می‌رسد مراد ماده ۳ قانون ۱۳۸۱ در واقع قاچاق اطفال در داخل کشور است، حال آنکه در تبصره ۱ ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان، مراد قاچاق بین‌المللی انسان از جمله اطفال زیر ۱۸ سال است.^{۱۴}

معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه، همچنین با تنظیم و تدوین لایحه قانون جرایم رایانه‌ای که هم اکنون در مجلس در دست بررسی است، با الهام و اقتباس از کنوانسیون جرایم محیط مجازی (Cyber) شورای اروپا (مصوب سپتامبر ۲۰۰۱) در مقام حمایت کیفری از کودکان، یعنی اشخاص زیر ۱۸ سال در برابر جرایم رایانه‌ای بر آمده است. ماده ۱۰ این لایحه که تا اندازه‌ای از ماده ۹ کنوانسیون شورای اروپا اقتباس شده است مقرر می‌دارد:

«الف- هر کس محتویات مستهجن را به اشخاص ۱۸ ساله ارائه نماید یا محتویات مستهجن اشخاص زیر ۱۸ سال تمام را تولید یا ارائه یا منتشر نماید و یا مورد هر قسم معامله قرار دهد یا آنها را تهیه یا نگاه دارد یا ذخیره نماید، به حداکثر مجازات مقرر در ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد.

ب- هر کس به منظور دستیابی اشخاص زیر ۱۸ سال تمام به محتویات مستهجن یا به منظور ارتکاب جرایم مبادرت به تحریک یا ترغیب یا تهدید یا تطمیع یا فریب آنها نموده و شیوه دستیابی یا ارتکاب موارد ذکر شده را برای آنها تسهیل نموده یا آموزش دهد به مجازات مقرر در ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد.»

۱۴. برای مطالعه تفصیلی این قانون رک. اسان، مصطفی، قاچاق زنان و کودکان برای بهره‌کشی جنسی،

فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۱۶، بهار ۱۳۸۴، صص ۳۶۴-۳۲۹.

نتیجه گیری

حمایت از «اطفال در معرض خطر» بزهکاری - بزه دیدگی، یکی دیگر از قلمروهای حقوق کیفری اطفال محسوب می شود. مراد از اطفال در معرض خطر، اطفالی هستند که به لحاظ خصوصیات و حالت شخصی‌شان، یعنی ولگردی، فرار از مدرسه، غیبت تحصیلی و اعتیاد، یا به لحاظ ویژگی‌های خانوادگی‌شان، مثلاً" برای مثال اعتیاد یا فساد اخلاقی والدین، یا به خاطر ویژگی محیط کار یا تحصیلشان و دوستان «ناباب»، در معرض بزه‌دیدگی، سوءاستفاده یا ارتکاب جرم یا شرکت دادن در بزهکاری توسط سازمانهای جنایی قرار می‌گیرند.

قانونگذار ایران از یک سو، در مورد در معرض خطر بودن طفل، به لحاظ خصایص سوءاخلاقی والدین، به موجب ماده ۱۱۷۳ (اصلاحی مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۱) قانون مدنی از چنین اطفالی با سلب حضانت از والدین و سرپرستان آنان که منبع این وضعیت بزه دیده زا یا جرم زا برای فرزندان خود هستند، حمایت می‌کند. ماده ۱۱۷۳ مقرر می‌دارد که هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای مدعی العموم هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند اتخاذ کند.

از سوی دیگر، در آیین‌نامه پیشگیری از اعتیاد، درمان معتادان به مواد مخدر و حمایت از افراد در معرض خطر اعتیاد، مصوب ۱۳۷۶ ستاد مبارزه با مواد مخدر، نیز از اطفال در معرض خطر به لحاظ ویژگی‌های شخصی یا محیطشان

حمایت به عمل آمده است. این آیین‌نامه به طور کلی حمایت‌های ذیل را از افراد در معرض خطر اعتیاد و به منظور پیشگیری از معتاد شدن آنان منظور داشته است:

۱- موظف نمودن وزارت آموزش و پرورش به ارائه و اجرای طرح‌هایی به منظور پیشگیری از اعتیاد و آلودگی به مواد مخدر و افزایش آگاهی‌های پرسنل (اداری - آموزشی)، دانش آموزان و انجمن اولیاء و مربیان.

۲- شناسایی دانش آموزان در معرض آسیب (شناسایی دانش آموزانی که سرپرست یا والدین آنها قاچاقچی، معتاد، زندانی یا فراری هستند) و معرفی آنان به مراجع پیشگیری و حمایتی و در صورت لزوم انجام مشاوره و آموزش‌های لازم برای این نوع دانش آموزان.

۳- شناسایی دانش آموزان معتاد، مصرف کننده یا توزیع کننده مواد مخدر و اتخاذ تدابیر لازم جهت اقدامات درمانی، حمایتی، تأمین و قانونی برای آنها.

به هر حال انجام موارد ذکر شده باید به نحوی صورت پذیرد که آسیب روانی - اجتماعی به این کودکان وارد نیاید. این قانون همچنین پیشگیری از طریق برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و تبلیغاتی از طرق مختلف را مقرر می‌دارد.

قانونگذار هنوز در چارچوب قانونی مستقل، مفهوم «طفل در معرض خطر» را وارد حقوق ایران نکرده است، ولی معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه تهیه و تنظیم پیش نویس قانونی را با عنوان «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در معرض خطر» در دست بررسی و تدوین دارد که مشتمل بر ۴۲ ماده است. به موجب ماده ۲ این پیش نویس، طفل در معرض خطر طفلی است که بهداشت، امنیت، اخلاق و شرایط آموزش و تربیت او، در معرض خطر قرار گرفته و یا در وضعیتی است که رشد جسمانی و روانی او و به طور کلی فرایند اجتماعی شدن و رفاه او در معرض آسیب جدی باشد. در ماده ۳ این متن

وضعیت‌های خطرناک برای طفل به طور تمثیلی احصاء شده‌اند؛ از جمله بی‌سرپرستی، تولد در نتیجه رابطه نامشروع، ترک مداوم خانواده، ولگردی، اعتیاد به مواد مخدر و الکل، ابتلای والدین یا اولیای قانونی و سرپرستان اطفال به بیماری‌های جسمانی واگیردار و صعب‌العلاج و یا بیماری‌های روانی، عدم توانایی مالی والدین، اولیای قانونی و سرپرستان اطفال در تأمین نیازهای ضروری و اساسی آنها و نادیده گرفتن عمدی و یا ناشی از سهل‌انگاری سلامت و بهداشت روانی و جسمانی طفل توسط والدین، اولیای قانونی و سرپرستان اطفال.

ناگفته پیداست، در صورت تصویب این پیش‌نویس که به نوبه خود از کنوانسیون حقوق کودک الهام گرفته است، خلأ قانونی کنونی در باب حمایت از اطفال در معرض خطر بزه‌کار و بزه‌دیده واقع شدن پر خواهد شد. به طور کلی، به نظر می‌رسد که قانونگذار باید مقوله حمایت از اشخاص زیر ۱۸ سال را به صورت یک جا و در یک قانون جامع و همگن به تصویب برساند. به عبارت دیگر مجموعه موادی که به صورت پراکنده تنظیم و در قالب قوانین یا آیین‌نامه‌های مختلف تنظیم و تصویب شده‌اند، باید مورد بازبینی و بازنگری در یک متن جامع قرار گیرند تا بدین ترتیب میان انواع حمایت‌های حقوقی - کیفری هماهنگی و انسجام بوجود آید.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی